

بازنمایی خشونت در ضرب‌المثل‌های لکی^۱

مسعود گلچین^۲، سیاوش قلی‌پور^۳، صلاح‌الدین قادری^۴، علی‌حیدر حیدری^۵

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۸۸۴-۴۶۶۹-۰۰۰۳-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۶۲۴۶-۹۵۵۹-۰۰۰۱-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۶۲۸۹-۵۳۲۰-۰۰۰۱-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۶۹۷-۴۳۳۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

چکیده

بخش مهمی از فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی اجتماعات مختلف انسانی، ضرب‌المثل‌هایی است که به‌طور جمعی ساخته و پرداخته شده و بنیادهای فرهنگی آن‌ها را منعکس می‌کند. مقاله حاضر، در پی فهم اجتماعی خشونت و آشکال آن در تجربه زیسته مردمان لک‌زبان و نسبت آن با هویت مردانه و زنانه است که در ضرب‌المثل‌های لکی بازنمایی شده‌اند. رویکرد نظری این نوشتار بر پایه اندیشه‌های دیوید متزا، نیسبت و کوهن، نظریه کنش پارسونز، مفهوم مردانگی رابرت کانل و نظریه خشونت زبانی دریدا استوار است. داده‌ها با بررسی منابع کتبی و شفاهی مربوطه گردآوری و پس از راستی‌آزمایی و مضمون‌کاوی از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از مردان پنجاه سال به بالای تجربه و مطلع نسبت به فرهنگ عامه لکی، به شیوه «تحلیل محتوای کیفی» تجزیه و تحلیل شدند. ضرب‌المثل‌هایی که بر مضامین خشونت‌آمیز دلالت دارند یا مروج خشونت هستند، در چهار مقوله اصلی شامل «خشونت کلامی، خشونت ابزار سلطه، تشویق به خشونت، خصومت و ستیزه‌جویی» دسته‌بندی شده‌اند. همچنین «خشونت عامل همبستگی درون‌گروهی و به‌مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی» به‌عنوان مضمون اصلی پژوهش شناخته شد. در ضرب‌المثل‌های لکی، خشونت در آشکال گوناگونی چون «خشم و پرخاشگری، تحقیر و توهین، تبعیض علیه زنان و تهدید به استفاده از خشونت» بازنمایی شده است. بین خشونت و هویت مردانه تطابق و هم‌گرایی وجود دارد و صفت مرد بر کسانی اطلاق می‌گردد که توانایی به‌کار بردن خشونت را داشته باشند. در این ضرب‌المثل‌ها نگرش و تصور مطلوبی در برابر پدیده خشونت وجود دارد؛ به‌طوری‌که خشونت با عناصر مقدس مذهبی هم‌تراز است. چنین نگرشی نسبت به پدیده خشونت دارای ساخت و بافتی قومی و قبیله‌ای است که در آن هر گروه ناچار به تأمین امنیت خود بوده است؛ از این‌رو، در چنین اجتماعی مردان به‌عنوان نیروی جنگی و تأمین‌کننده امنیت همواره از جایگاهی برتر و موقعیتی ممتاز برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: خشونت، ضرب‌المثل‌های لکی، هویت مردانه، همبستگی درون‌گروهی، بافت قومی و قبیله‌ای

۱. این مقاله از رساله دکتری علی‌حیدر حیدری، دانشجوی رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی) استخراج شده است.

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) / golchin@khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه / Sgholipoor@razi.ac.ir

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی / salahedin.gh@khu.ac.ir

۵. دانشجوی دکتری رشته بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه خوارزمی / ali.h.heydari94@gmail.com

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۰

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۴۸-۲۲۹

۱. مقدمه و بیان مسئله

بخش مهمی از فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی اجتماعات مختلف انسانی، کلمات قصار و ضرب‌المثل‌هایی است که به‌طور جمعی ساخته و پرداخته شده و بنیادهای فرهنگی آن‌ها را بازتاب می‌دهند. «مَثَل» واژه‌ای عربی و اخذشده از مادهٔ مَثُول است و در لغت‌نامه‌ها «برهان»، «پند»، «قصه»، «علامت» و «سرگذشت» معنا شده است. در فارسی به مَثَل «داستان»، «نمون»، «تمثیل» و «ضرب‌المثل» نیز گفته‌اند (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۴-۱۱۱).

ضرب‌المثل‌ها گویندهٔ مشخصی ندارند و در درازنای تاریخ توسط عامهٔ مردم بیان و در طی اعصار متمادی صیقل داده شده‌اند تا در موقعیت‌های اجتماعی خاصی به کار آیند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۵). ضرب‌المثل‌ها در قالب عباراتی کوتاه و درعین حال پرمعنا، بیان‌کنندهٔ نگرش‌ها و باورهای مردم هر جامعه و ابزاری قدرتمند در شکل‌دادن به آگاهی‌ها، نگرش‌ها و باورهای اخلاقی افراد به شمار می‌آیند (موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). عامهٔ مردم، مسائل اجتماعی عصر و زمان خویش را در قالب جمله‌ها و اصطلاحات کوتاه به‌عنوان «ضرب‌المثل» بر ساخت می‌کنند. بدین ترتیب، مطالعهٔ ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار به ما برای شناخت مردم یک جامعه از پدیده‌های اجتماعی کمک می‌کند.

ضرب‌المثل‌ها بخش مهمی از ادبیات شفاهی قوم لک^۱ هستند که دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی اقوام لک از جمله خشونت در آن‌ها بازنمایی شده‌اند. خشونت، معادل violence، به معنای کاربرد زور، از ریشه واژه لاتین violare گرفته شده است. خشونت به معنای کاربرد زور، پدیده‌ای ریشه‌دار و دارای دیرینگی بسیار در تاریخ جوامع بشری است؛ به طوری که رد پای آن را در کتاب‌های مقدس، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تاریخ و سرگذشت انسان‌ها و جوامع اعم از ادبیات شفاهی و نوشتاری به‌وفور مشاهده می‌کنیم. از آن جمله می‌توان به داستان‌های بایبل و قابیل و نظایر آن در کتاب‌های مقدس اشاره کرد (اسکات، ۱۹۷۹: ۱۹۷).

رشد و افزایش خشونت در بین شهروندان به کم‌رنگ شدن قواعد اخلاقی، ضوابط قانونی و مناسبات انسانی که روابط افراد را تنظیم می‌کنند، منجر می‌شود. هرگاه در یک جامعه آمارها، میزان و آشکال خشونت افزایش یابد و یا شهروندان احساس کنند این پدیده رو به گسترش است، حساسیت عمومی دربارهٔ آن افزایش می‌یابد و از حالتی عادی به مسئله‌ای اجتماعی و بحرانی تبدیل می‌گردد.

خشونت، رفتاری است که با هدف آسیب‌رساندن به دیگری سر می‌زند و دامنهٔ آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب‌وجرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل (یعنی آسیب‌رساندن جسمانی یا روانی به فرد دیگر) گسترده است. در نظام قضایی و انتظامی ایران، خشونت شامل قتل عمد، ضرب‌وجرح و تخریب می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳ و آزاد از مکی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۶).

۱. زبان لکی، زبان قوم لک است که در یک ناحیهٔ کوهستانی نسبتاً بزرگ در رشته‌کوه‌های زاگرس در محل تلاقی استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان زندگی می‌کنند. زبان لکی از زبان‌های شمال غربی ایران (شاخه‌ای از پارسی میانه) است که قدمتی چند هزارساله دارد و بیشتر واژه‌های آن در زبان اوستایی و پهلوی آمده‌اند (صفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳).

خشونت پیش از آنکه پدیده‌ای فردی باشد، اقدامی اجتماعی است و بیش از آنچه ضداجتماعی باشد، اجتماعی است. خشونت در چهارچوب فرهنگ ساخت می‌یابد و از نظر فرهنگی تعبیر و تفسیر می‌شود (محسنی، ۱۳۹۹: ۱۲۴). اگرچه تصور عمومی بر این است که خشونت پدیده‌ای نامطلوب است و در انظار عمومی با تنفر و انزجار به آن نگریسته می‌شود؛ ولی در برخی اجتماعات و فرهنگ‌های محلی، برخی کنشگران نه تنها رفتار خشونت‌گرایانه را نامطلوب تلقی نمی‌کنند، بلکه از نگاه آن‌ها رفتار خشونت‌آمیز شاخص منزلت اجتماعی، عاملی برای کسب جایگاه مناسب در گروه دوستان و همسالان و وسیله‌ای برای کسب عزت‌نفس و احترام اجتماعی است (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

خشونت یکی از دلایل اصلی عوارض ناخوشی و مرگ‌ومیر در میان جوانان جهان است (سیلوا، ۲۰۱۹). در سال ۲۰۱۶، حدود یک میلیارد کودک و نوجوان به نحوی از انحاء قربانی خشونت شده‌اند (هیلز و کرس، ۲۰۱۶: ۲۰). خشونت در تمام ابعاد آن، بر سلامت روانی و جسمانی شهروندان به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیرتر جامعه مثل کودکان و زنان تأثیر نامطلوبی دارد؛ روابط بین شهروندان را مسموم و اعتماد بین آن‌ها را تضعیف و همزیستی مسالمت‌آمیز و روابط سالم بین افراد را به تشنج و تنش تبدیل می‌کند. در جامعه‌ای که میزان و نرخ خشونت در بین شهروندان بالا باشد، احساس امنیت و آرامش پایین‌تر خواهد بود و از میزان سرمایه اجتماعی کاسته می‌شود، به بازتولید چرخه مستمر و مداوم خشونت در روابط اجتماعی منجر می‌گردد و به انسداد راه‌های کنش مسالمت‌آمیز و مساوات‌طلبانه بین شهروندان می‌انجامد.

جرائم خشونت‌آمیز یا جرائم علیه افراد در مقایسه با جرائم علیه اموال، در افکار عمومی بیش‌ازحد بازنمایی می‌شوند. نسبت گزارش‌های روزنامه‌ها در مورد جرائم خشونت‌آمیز به جرائم مالی، ۸ به ۲ بوده است؛ هرچند در همان دوره بر اساس آمارهای رسمی نسبت جرائم مالی به جرائم خشونت‌آمیز، ۹ به ۱ بوده است (مارش، ۱۹۹۰: ۷۳-۷۲). نزاع فردی که نوعی از اشکال خشونت است در شهرستان‌های لکن‌نشین کوه‌دشت، دلفان و سلسله در سال ۱۳۹۶ به ترتیب ۷۶۶، ۶۴۸ و ۴۸۵ و در سال ۱۳۹۷ به ترتیب ۸۴۶، ۶۷۰ و ۴۷۷ مورد و نزاع دسته‌جمعی که نوع دیگری از خشونت است، در این شهرستان‌ها در سال ۱۳۹۶ به ترتیب، ۸۰، ۴۹ و ۳۹ مورد و در سال ۱۳۹۷ به ترتیب، ۱۰۲، ۴۷ و ۱۳ مورد گزارش شده است (سالنامه آماری ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ استان لرستان). آمارهای یادشده نمایانگر آن‌اند که اشکال گوناگون خشونت در این مناطق رایج است. هرچند این آمارها گویای تمام واقعیت نیستند، زیرا شمار زیادی از پیشامدهای خشونت‌آمیز بدون ارجاع به مراجع و نهادهای انتظامی و قضایی به‌صورت کدخدانمنشی و با پادرمیانی بزرگان طوایف فیصله داده می‌شوند؛ باین‌همه، اشکال گوناگون خشونت، اعمال قدرت و زور برای دستیابی به اهداف شخصی و قومی برخلاف قانون، حتی در روابط و نهادهای رسمی در شهرستان‌های لکن‌نشین لرستان به‌عنوان پدیده‌ای روزمره و آشکار، نمودی غیرقابل انکار دارد.

1. Aline Natalia Silva

2. Hillis & Kress

مجموعه‌ای از تعارضات بین فردی و قومی در شهر، گرداگرد شهرها و مناطق روستایی که از نگاه ناظران غیربومی و بومیان لک زبان به‌وفور قابل مشاهده است، رشته‌ای دائمی از خصومت‌ها و کینه‌های میان افراد و طوایف مختلف و انتقام‌گیری‌های پیوسته را در طول زمان زنده نگاه داشته است. پیامدها و آثار منفی برآمده از به‌کارگیری خشونت افزون بر ضایعات جسمی و روحی، پرونده‌های زیادی را در مراجع انتظامی و قضایی به‌طور پیوسته و فزاینده بازتولید می‌کند. همچنین خشونت را به شکل نمادین و معیاری برای کسب منزلت در آورده و به‌صورت باری بر عهده خانواده‌ها، ریش سفیدان و بزرگان محلی بر جا گذاشته است.

از آنجاکه در ضرب‌المثل‌های لکی که متأثر از ساخت اجتماعی قومی و قبیله‌ای است و ریشه در باورها، اعتقادات و تجربه زیسته‌شان دارد، شواهد و نمونه‌هایی یافته می‌شوند که بر بساخت و بازتولید خشونت در نسل‌ها و اعصار متممادی دلالت دارند؛ نوشتار حاضر در پی فهم اجتماعی خشونت و آشکال آن در تجربه زیسته نسل‌های پیشین مردمان لک‌نشین استان لرستان است که در ضرب‌المثل‌های ایشان بازنمایی شده است.

بدون آن‌که در این پژوهش مقایسه بینا فرهنگی و اجتماعی میان لک‌ها و غیر ایشان به‌طور آشکار یا پنهان مدنظر باشد، به نظر می‌رسد اقوام لک و اجتماعات مربوط به آن‌ها بیش از دیگر اقوام لر یا سایر عشایر و اجتماعات درگیر خشونت بوده و هستند. بر این اساس، کشف برخی ریشه‌های فرهنگی خشونت در قالب ضرب‌المثل‌های رایج لکی با معنا و مضمون خشونت‌آمیز مورد توجه است و نادیده گرفتن ابعاد غیرخشونت‌آمیز فرهنگ عامه و ضرب‌المثل‌های رایج در میان مردمان لک به‌هیچ‌وجه مقصود نیست.

بر پایه آنچه بیان شد، سؤال‌های راهنمای این پژوهش از این قرارند:

- در ضرب‌المثل‌های لکی، چه درک و تصویری در مورد خشونت وجود دارد؟
- خشونت در قالب چند مقوله کلی قابل طبقه‌بندی است؟
- خشونت چه نقشی در کسب هویت‌های جنسیتی مردانه و زنانه دارد؟
- و سرانجام تم یا مضمون مشترک، وحدت بخش و نهایی منتج از مقوله‌های مزبور که معنا و جایگاه خشونت در قوم لک را نمایندگی می‌کند، کدام است؟

۲. پیشینه پژوهش

در ضرب‌المثل‌های لکی، زن در مقام یک هستی با ویژگی‌های مثبتی مانند «اقوام‌بخش، هویت‌بخش و بافضیلت» و با ویژگی‌های هویتی منفی «ابزاربودگی، بی‌خردی، اخلاق‌ستیزی و غیرمستقل» ترسیم و بازنمایی شده است. مقولات به‌دست‌آمده برای بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های لکی، یکدست نیستند و زن در سه دسته «دِت» (دختر)، «دَا» (مادر) و «دایا» (پیرزن) ترسیم شده است. از این سه گروه، هویت گروه سنی «مادر» نسبت به دو گروه دیگر مثبت‌تر و هویت «پیرزن» از بقیه منفی‌تر بازنمایی شده است. در مجموع روح کلی حاکم بر ضرب‌المثل‌ها، تصویر و هویتی مرتبه دوم برای زنان قائل است و مردان در مقایسه با زنان از جهات مختلف برتر هستند و زنان تنها در کنار مردان هویت می‌یابند و جهان ضرب‌المثل‌ها، جهانی عمدتاً مردانه است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۹).

آسیایی (۱۳۹۱)، معتقد است «نفرین» گونه‌ای از خشونت زبانی است. نمونه‌های مشابه فراوانی از نفرین‌ها در زبان اقوام ترک و لک وجود دارد که به معنایی یکسان به کار می‌روند. با توجه به مشابهت‌های فراوانی که در نفرین‌های ترکی و لکی قابل مشاهده است، آن‌ها را می‌توان در چهار گروه نفرین‌های کالبدی (نقص عضو، بیماری و آرزوی مرگ)، نفرین‌های مادی (فقر و بی‌خانمانی)، نفرین‌های نسل‌سوز (قطع نسل، مرگ نزدیکان، ازهم‌پاشیدن خانواده) و نفرین‌های اجتماعی (بی‌آبرویی و روسپاهی) طبقه‌بندی کرد. با توجه به ساختار مردسالار موجود در این فرهنگ‌ها، نفرین توسط افرادی به کار گرفته می‌شود که امکان بهره‌گیری از سایر اشکال خشونت مانند خشونت جسمی را نداشته باشند. در چنین فرهنگ‌هایی، گویندگان نفرین به‌مثابه خشونت زبانی بیشتر زنان هستند و در اغلب منازعات، این‌گونه نفرین‌ها را برای هم‌جنسان خود به کار می‌برند.

ذوالفقاری (۱۳۸۶) ضرب‌المثل‌های فارسی را در حوزه خانواده (نگرش به مرد و زن، اولاد)، مشاغل اجتماعی و نگرش به پیشه‌ها و پیشه‌وران، خلیقات آن‌ها و جایگاه اجتماعی‌شان در جامعه، تیپ‌های اجتماعی و نگرش غالب جامعه به آن‌ها و آداب و رسوم اجتماعی رایج در بین مردم دسته‌بندی نموده و در هر حوزه نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و کاربرد اجتماعی آن‌ها در موقعیت‌های مناسب را ذکر کرده است. در افسانه‌های اندونزی که در کتاب‌های کودکان منتشر شده است، خشونت فیزیکی مستقیم و غیرمستقیم و خشونت کلامی دیده می‌شود. خشونت فیزیکی مستقیم، با عمل عامل یا عاملان در استفاده از بدن مانند دست یا پا و یا استفاده از سلاح صورت می‌گیرد. خشونت غیرمستقیم با کمک شخص دیگری انجام می‌شود. خشونت کلامی در ۱۲ مقوله دسته‌بندی شده است. برچسب‌زدن، تهدید به قتل، تهدید به صدمه زدن، تحقیر کردن، تهدید به صدمه زدن به اموال، فحش دادن، ناسزا گفتن به مادر، با عصبانیت برخورد کردن، تهمت ناروا دادن و نسب مادری را زیر سؤال بردن، از خشونت‌های زبانی رایج در فرهنگ اندونزی است. (کونیتا ماسیکورو،^۱ ۲۰۱۶).

به گفتهٔ قیصرخان^۲ (۲۰۱۵)، ضرب‌المثل‌های پشتون با تجربهٔ زیسته، فرهنگ و سنت‌های بومی پشتون‌ها پیوند دارند و ساختار اجتماعی پدرسالار را تقویت می‌کنند. در این جامعه از اصطلاحات زبانی جنسیتی به‌عنوان ابزاری برای حفظ نابرابری جنسیتی و بازتولید و کنترل ساختار اجتماعی که مشخصهٔ آن عدم تعادل جنسیتی است، استفاده می‌شود. زبان ضرب‌المثل‌ها از مردانگی و سلطهٔ مردان در فرآیند تصمیم‌گیری، تقسیم کار، حوزهٔ خانواده و عرصهٔ عمومی حمایت می‌کند.

در ضرب‌المثل‌های چینی علی‌رغم این‌که زنان حضور کمی دارند؛ اما نابرابری جنسیتی در تصویر کلیشه‌ای از زنان مشهود است. زنان به مردان وابسته و مطیع توصیف شده‌اند و تنها به خاطر جذابیت جسمی خود، پاکدامنی، نقش‌های داخلی خانه و توانایی پسردار شدن برای ادامهٔ نسل خانواده ارزش‌گذاری می‌شوند؛ اما از طرف دیگر مردان به خاطر توانایی‌ها، پیوندهای اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی‌شان مانند

1. Qanitah Masykuroh

2. Qaisar Khan

شجاعت، فروتنی و مهربانی ارزش‌گذاری می‌شوند. علاقه مردان به زنان به صورت خنثی یا مثبت به خاطر لذت جنسی یا عشق رمانتیک است که این امر از عینیت جنسی زنان حکایت دارد. در ضرب‌المثل‌های چینی، برتری مردان بر اساس ساختار عمومی مردسالار و اولویت مردان قابل مشاهده است (لی، ۲۰۱۵). مرور مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که فرهنگ عامه به‌ویژه ضرب‌المثل‌ها، از منابع اصلی بررسی موضوعات مهم هویت جنسیتی و مسائل اجتماعی است. ضرب‌المثل‌ها بازتاب‌دهنده آداب و رسوم، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نسل‌های پیشین است که در فرآیند جامعه‌پذیری و درونی‌کردن ارزش‌های اجتماعی بر ذهنیت و کنش‌های اجتماعی نسل‌های آتی از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز تأثیر بسزایی دارند. بر اساس چنین فهمی از جایگاه و کارکردهای مثل‌هاست که بازنمایی و آشکارسازی معنایی خشونت در ضرب‌المثل‌های لکی که تاکنون مطالعه‌ای از این دست در خصوص آن‌ها صورت نگرفته و به‌عنوان بخشی از ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی خشونت در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی قوم لک تلقی می‌شود، در دستور کار این نوشتار قرار گرفته است.

۳. چهارچوب مفهومی

از آنجاکه هدف و مسئله اصلی پژوهش حاضر، جستجوی ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی انواع خشونت بین‌فردی در میان مردمان لک‌نشین استان لرستان از خلال بررسی ضرب‌المثل‌های لکی (به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی آن‌ها در نظر گرفته شده است که می‌تواند در بردارنده چنین بن‌مایه‌هایی فرهنگی برای ابراز و اعمال خشونت باشد)؛ به نظر می‌رسد مفاهیم و دیدگاه‌های نظری مرتبط و حمایت‌کننده از این ایده و پرسش‌های مرتبط با آن، باید به حوزه‌هایی چون ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی خشونت به‌عنوان یک کردار انحرافی، آسیب‌شناختی و گاه مجرمانه، ابعاد مرتبط با هویت و ساختار جامعه قبیله‌ای و عشیره‌ای، همبستگی و اعتماد درون‌گروهی در برابر همبستگی و اعتماد بین‌گروهی، زمینه‌های مرتبط با هویت مردانه یا مفهوم مردانگی و شرف و به‌طورکلی ریشه‌های فرهنگی تفکر یک قوم درباره مفاهیم مرد و زن، مردانگی و زنانگی و نظام جهت‌گیری‌ها و ترجیحات آن‌ها در کنش‌های اجتماعی‌شان مرتبط باشد. در ادامه کوشش می‌شود به برخی از مفاهیم و آرای مرتبط با آنچه گفته شد در اندیشه صاحب‌نظران این حوزه‌ها اشاره گردد.

دیوید متزاً معتقد است در مطالعه هر رفتار انحرافی باید به رابطه میان اعتقاد و عمل توجه شود. او بر آن است که کج‌روی اصولاً کاربرد اعتقاد در عمل است. در دیدگاه متزاً، شرح و توصیف وقایع باید از دیدگاه کنشگران و افراد دخیل در آن واقعه مطالعه گردد. بر اساس این دیدگاه، ارزش‌ها و باورهای فردی که مرتکب رفتار انحرافی شده است با ارزش‌های مرسوم در جامعه تفاوت چندانی ندارد. بسیاری از گرایش‌ها و ارزش‌هایی که در ذهن و ضمیر افراد کج‌رو آن‌ها را به انجام رفتار انحرافی سوق می‌دهد، در درون اعتقادات

1. Lee

2. David Matza

اجتماعی مرسوم وجود دارند که از این ارزش ها به عنوان ارزش های پنهان یاد می شود (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲). مطابق دیدگاه پدیدارشناسی متر، شیوع بیشتر رفتاری انحرافی در جامعه می تواند به ارزش ها و اعتقادات فرهنگی جامعه و درک و فهم کنشگران از آن پدیده برگردد.

به عنوان مثال بر اساس استدلال نظریه فرهنگ آبرو یا شرف،^۱ منطقه جنوب ایالات متحده نسبت به بقیه مناطق نرخ بالاتری از قتل دارد. این منطقه دارای خرده فرهنگ مشترکی است که در آن مردان برای استفاده از خشونت برای حل و فصل مسائل بین خود، آمادگی بیشتری دارند. به طور خلاصه، این نظریه به عنوان بخشی از زمینه فرهنگی آنان نشان می دهد افرادی که در جنوب ایالات متحده زندگی می کنند، نوعی تمایل به خشونت و آمادگی برای استفاده از آن را می آموزند (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

طبق نظر نسبت و کوهن^۲ (۱۹۹۷)، فرهنگ آبرو یا شرف در جوامعی ایجاد می شود که افراد در معرض خطر شدید از دست دادن منابعشان باشند. در این گونه جوامع به خاطر حفاظت های محدود دولتی و همچنین به خاطر منابع کمی که توسط نظام اقتصادی تولید می شود، افراد ذهنیت منفصل و مرزبندی شده ای پیدا می کنند. در نتیجه شهروندان به ویژه مردان، احساس می کنند برای حفاظت از خود، خانواده شان و دارایی و اموالشان به ویژگی های فوق العاده مردانه نیاز دارند. در چنین بستر فرهنگی، شهرت، عدم تمایل به مدارا با دیگران، توهین و توانایی تحمیل اراده خود به دیگران، از عناصر مهم در رسیدن به رفاه اقتصادی - اجتماعی افراد محسوب می شود. کسانی که از نظر دیگران توانایی محافظت از خود، دارایی و اموالشان را دارند، احتمال کمتری دارد که قربانی دزدی و خشونت شوند. با در نظر گرفتن این شرایط، استفاده از خشونت به منظور محافظت نه تنها از نظر فرهنگی مجاز و پذیرفته شده است، بلکه تا حدودی لازم و ضروری است (ورتلی، ۲۰۰۸: ۱۲۹).

پارسونز در نظریه اراده گرایانه کنش، کنش های افراد را متضمن انتخاب از بین بدیل های متفاوت که در دوسر طیف قرار دارند، می داند. اولین نوع انتخاب بدیل از دیدگاه پارسونز، خاص گرایی - عام گرایی است (کرایب، ۱۳۸۶: ۶۰). در جوامع سنتی تعلقات قومی سبب ایجاد و تقویت هویتی در فرد می شود که در هم خونی، هم نژادی، هم مسلکی و عوامل دیگری که بر اشتراک های اعضای اجتماع یا گروه تأکید دارند، ریشه دارد. در چنین اجتماعاتی، هویت افراد بر اساس روابط نسبی و سببی با ایل و عشیره بزرگ تر که فرد با آن ها پیوند دارد، تعریف می شود. خاص گرایی نشئت گرفته از هویت های خرد، قومی و قبیله ای است که فرد منافع شخصی و گروهی را بر منافع عام ترجیح می دهد. خویشاوندگرایی از شایع ترین فرم های خاص گرایی است.

خویشاوندگرایی، احساس تعلق به گروهی خاص و تحصیل امنیت به واسطه وابستگی به آن گروه است. رابطه خویشاوندی سبب ایجاد تعهد، مسئولیت و کنش اجباری برای عضو می گردد. اعضای گروهی که باهم تعلقات و احساس خویشاوندی دارند، به دفاع و حمایت از هم می پردازند و مسائل خویشاوندان و

1. Culture of Honor
2. Williams
3. Nisbet and Cohen
4. Wortly

فامیل را مشکل خود و خانواده محسوب می‌کنند (سریع‌القول، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۷). عام‌گرایی الگوی هنجاری است که کنشگر یک پدیده را جزئی از طبقه عمومی به شمار می‌آورد و ارتباط ویژه و خاصی را بین خود با سوژه قائل نمی‌شود؛ اما در خاص‌گرایی انتخاب کنشگر بر اساس رابطه ویژه بین او و سوژه صورت می‌گیرد (کرایب، ۱۳۸۶: ۶۰). عام‌گرایی نوعی جهت‌گیری ارزشی مبتنی بر عناصر منطقی کنش است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می‌کند (غفاری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۷). مفهوم نقش‌های جنسیتی (مردانگی و زنانگی) توسط جامعه‌شناس آمریکایی تالکوت پارسونز بیان شد؛ کسی که اظهار داشت تمایز اجتماعی یکی از الزامات جامعه است و تقسیم کار در خانواده بین زن و مرد از الزامات اساسی اجتماعی شدن کودکان است. نهادهای خانواده، رسانه‌ها، گروه‌های همسالان و مدرسه، عوامل اصلی اجتماعی شدن کودکان هستند. کودکان به واسطه تعامل با این نهادها، نقش مناسب جنسیتی را یاد می‌گیرند و مرد یا زن می‌شوند (برد، ۲۰۰۸: ۲).

دریدا معتقد است ریشه خشونت در اشکال متنوع آن در زبان است. از دیدگاه او زبان با ایجاد تمایزهای سلسله‌مراتبی، روابط نامتقارن را ایجاد می‌کند. دریدا با تأکید بر خشونت بنیادی، به تشریح چگونگی استثمار شدن اقشار ضعیف‌تر و به حاشیه رانده شدن توسط گروه‌های قدرتمند می‌پردازد که در حوزه تولید معنا امتیازات ویژه دارند (شهبازی مقدم، ۱۳۹۵: ۴۷). در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا و ترکیه، مردانگی غالباً کلیشه‌ای است و از یک مرد انتظار می‌رود خصوصیات نظیر استقلال، قدرت بدنی، پرخاشگری، رقابت‌پذیری، واقعی فکر کردن، عقلانیت و احساسات کمتری داشتن نسبت به زنان را از خود نشان دهد. در مقابل از زنان انتظار می‌رود بیشتر همکاری کنند، از نظر جسمی ضعیف، مهربان، جذاب، احساسی، آراسته، وابسته، ملایم، مذهبی، ساکت، غیرمنطقی و منفعل بوده و ارتباطات بیشتری نسبت به مردان داشته باشند (بزکورتا، ۲۰۱۵: ۲۵۵).

از نظر مسراشمیت^۴ (۱۹۹۳: ۸۲)، مردان در تکمیل پروژه جنسیت خود به دنبال یک نوع مردانگی هژمونیک هستند. مشخصات مهم این نوع مردانگی عبارت است از رقابت، استقلال، کنترل، اقتدار، پرخاشگری و مصمم بودن. خشونت مردان به‌عنوان ابزار قدرتی نگریده می‌شود که مردانگی آن‌ها را تقویت می‌کند (هولت و الیس، ۱۹۹۸: ۵). از یک جنسیت انتظار می‌رود که بعضی رفتارها انجام پذیرد و این انتظارات بسته به جنسیت درگیر در آن‌ها متفاوت است. برای مثال، استقلال داشتن متعلق به جنسیت مردان در حوزه عمومی است و برای مردان خشونت و پرخاشگری اغلب یک رفتار موردانتظار است (آدری روت، ۲۰۱۱: ۷).

1. Craib
2. Bird
3. Bozkurt
4. Masserschmidt
5. Holt & Ellis
6. Audrey Ruth

۴. روش

در پژوهش‌های مبنایی این نوشتار، استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد توجه بوده است. این روش برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوها شناخته شده است. تحلیل محتوای کیفی، به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که پنهان یا آشکار هستند، به صورت محتوای آشکار می‌سنجد (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱: ۸۳).

تحلیل محتوا به سه شیوه معمول یا متداول^۱، هدایت‌شده^۲ و تلخیصی^۳ انجام می‌گیرد (هی و شانون، ۲۰۰۵). تحلیل محتوای متداول، معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به‌کارگیری مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). از آنجاکه در این پژوهش تشریح و مقوله‌بندی نهایی پدیده خشونت در ضرب‌المثل‌های لکی مورد نظر بوده، از روش تحلیل محتوای معمول یا متداول^۵ استفاده شده است.

به این ترتیب برای جمع‌آوری داده‌ها، نخست کتاب‌هایی^۶ که ضرب‌المثل‌های لکی در آن‌ها گردآوری شده است، بررسی گردید. سپس به منظور راستی‌آزمایی و مضمون‌کاوی، با ۲۰ نفر از مردان پنجاه‌سال به بالا و مطلع و خبره در مورد فرهنگ عامه لکی مصاحبه شد. سرانجام ضرب‌المثل‌های لکی که همه مصاحبه‌شوندگان در مورد معنای آن نظر مشترکی داشتند و دلالت آن بر خشونت را تأیید کردند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عبارت دیگر، مقوله‌ها به شیوه استقرایی از متن داده‌ها، استنباط و صورت‌بندی شدند.

در این کار کوشش شد از مقوله‌های از پیش تعیین‌شده استفاده نشود و برای دست‌یافتن به مقوله‌های نهایی، نخست با قرائت و بررسی ضرب‌المثل‌ها، مفاهیم اولیه استخراج شدند. سپس آن‌ها را در زیر مقوله‌هایی که بر اساس معنا و مقصود ضرب‌المثل‌ها مشابه بودند، دسته‌بندی کردیم. در نهایت، زیر مقوله‌های مشابه در چهار مقوله کلی‌تر و انتزاعی‌تر (خشونت کلامی، خشونت ابزار سلطه، تشویق به زورمندی و خشونت و خصومت و ستیزه‌جویی) زیر طبقه‌بندی شدند.

1. Conventional
2. Directed
3. Summative
4. Hsieh & Shannon

۵. در مقاله ایمان و نوشادی، از معادل فارسی عرفی و قراردادی استفاده شده است.

۶. ادبیات عامه لکی (امیدعلی نجف‌زاده)، زبانزدهای لکی (علی‌مردان عسگری‌عالم)، دستور زبان لکی، ضرب‌المثل و واژه‌نامه‌ها (عالی‌پور خرم‌آبادی) و بومیان دره‌مهرگان (رستم رحیمی).

۵. یافته‌ها

پس از مرور و تحلیل ضرب‌المثل‌های لکی که به نحوی بر نوع یا جنبه‌ای از خشونت دلالت داشتند، مفاهیم، زیرمقوله‌های متعدد و مقوله‌های چهارگانه متفاوتی به دست آمد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند و به کوتاهی توصیف خواهند شد. در پایان، تم یا مضمون نهایی و مشترک مقولات به دست آمده بیان می‌شود (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

نم	مقولات	زیرمقولات
خشونت عامل ایجاد انسجام درون‌گروهی و به‌مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی	خشونت کلامی	<ul style="list-style-type: none"> - خشم و پرخاشگری - تحقیر و اهانت - تحقیر و تبعیض علیه زنان - اوصاف افراد خشونت طلب - تهدید به استفاده از خشونت
	خشونت، ابزار سلطه	<ul style="list-style-type: none"> - بیم از قربانی خشونت شدن - شکوه و شکایت از زورگویی - ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان
	تشویق به زورمندی و خشونت	<ul style="list-style-type: none"> - نگرش اسطوره‌ای به زور و خشونت - ضرورت انتقام‌گیری و مقابله به مثل
	خصومت و ستیزه‌جویی	<ul style="list-style-type: none"> - همزادی خصومت و رقابت - همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله‌ای

جدول شماره ۱: زیرمقولات، مقولات و تم اصلی موضوع

۵-۱. خشونت کلامی

خشونت کلامی، یادآور خشونت در کلام و گفتار نسبت به دیگران به نحوی از انحاست. این نوع از خشونت، می‌تواند آغاز رشته‌ای از رفتارهای خشونت‌آمیز بعدی بین فردی و بین‌گروهی باشد. درعین حال، این پدیده به‌تنهایی آزاردهنده و مخل روابط توأم با همبستگی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته است. این مقوله، از زیرمقوله‌های خشم و پرخاشگری، تحقیر و اهانت، تحقیر و تبعیض علیه زنان، اوصاف افراد خشونت طلب و تهدید به استفاده از خشونت تشکیل شده است.

● **خشم و پرخاشگری**

- کوتی خونه *kwetĭ xweĭ na*

چهره‌اش به شدت برافروخته است و خشم و پرخاشگری از سر و صورتش می‌بارد!

- مری مژ نر دیوه *mari mež wa nara dĭ*

فرد عصبانی مثل دیو برافروخته است! این ضرب‌المثل در اشاره به افرادی به کار می‌رود که دارای منطق و اهل گفت‌وگو نیستند.

- کس نمای و گرد بوشتی ری مالت هارکو *kasē nemāi va gard būštē rē mālet harkū*

کسی جرئت ندارد از او سؤالی بپرسد!

- هناسه | سر شونا مه *henāse e sar šonā me*

فرد به شدت عصبانی که آرامشش را از دست داده است و آرام و قرار ندارد!

● **تحقیر و اهانت**

- سگ ار در مال صا وژ پاس مکه *sag ar dar māl sāw wež pās make*

سگ در خانه صاحب خودش پاس می‌کند! در اشاره به فردی گفته می‌شود که فقط در بین قوم و نزدیکانش اهل جنگ و نزاع است و در بیرون از گروه ترسو است.

- گرگی مردیو کاور لری میا پتا *gwerge merdĭo kāwer larē miyā petā*

گرگی مرده بود و گوسفند نحیفی با پوزه او را زیرورو می‌کرد! در اشاره به موقعیتی به کار می‌رود که فرد ضعیفی از موقعیتی علیه دیگران استفاده کند.

- و چه بلاونمت و چت بوشم خاص *va ča belāwenmet va čat būšem xas*

چیز خاصی در وجودت نیست که تو را با آن وصف کنم! در اشاره به افرادی به کار می‌رود که ویژگی و توانایی برجسته‌ای ندارند و در جایگاه پایینی از اجتماع قرار دارند.

- هُمال شای کر *hwemēl sāi kar*

کسی که دشمن از او حساب نمی‌برد و نمی‌ترسد! در اشاره به افرادی به کار می‌رود که ضعیف و ناتوان هستند و دیگران از آن‌ها حساب نمی‌برند.

● **تحقیر و تبعیض علیه زنان**

- پشت پشت پدره، مادر رهگذره *pešt pešt pedera, mādar rahgozeræ*

اصل و نسب، پدری است و مادر رهگذر است! بر اساس فرهنگ ایلی و عشایری، هویت افراد بر اساس نسب پدری تعریف می‌شود.

- نه بیوه بگلر نه یتیم خود سر *na bēwa baglar na yatēm xwedsar*

نه زن بیوه باید مستقل و خودرأی باشد و نه بچه یتیم! در فرهنگ ایلی و عشایری زنان بیوه به دلیل نداشتن شوهر و بچه‌های یتیم به خاطر نداشتن پدر، در سلسله‌مراتب اجتماعی از جایگاه و موقعیت پایین‌تری برخوردارند.

- هفت خو مال ی برا آوا نمهن haft xwa māl ye berā āwa nemehan
هفت تا خواهر خانه یک برادر را آباد نمی کنند، یعنی دردی از او دوا نمی کنند! بر اساس فرهنگ ایلی و عشیره ای جایگاه و موقعیت هر عضو اجتماع با توجه به تعداد اعضای مذکر گروه نسبی که عضو است، تعیین می شود.

- چینه کوخای ژنی داونه بینت افتخار نیه هنیجی نیاو سر شکسی نیه
Čīna kewxāī žanē dāwna binet eftexar nēya hanlje nīyawo sar šekesi nēya
وقتی به خواستگاری زنی رفتی، اگر به شما دادند افتخاری ندارد و اگر به شما ندادند چندان چیز مهمی نیست! دلالت بر کم ارزش بودن زن در ساختار و بافت اجتماعی ایلی و عشیره ای دارد.

• اوصاف افراد خشونت طلب

- دوشاهی آشر دان Došāhē a šar dāin
اشاره به فرد نزاع طلبی دارد که حاضر است هزینه کند تا در دعوا و نزاعی مشارکت داشته باشد.
- شمشیر گر خاص و غلاف نموسی emšir kor xās va qelāfā nemusē š
شمشیر مرد واقعی در غلاف نمی رود و همیشه آماده نبرد است! دلالت بر مهم و باارزش بودن رفتار تهاجمی در فرهنگ ایلی و عشیره ای دارد.
- وه شر و کم زور va šār ō kam zur
کسی که دنبال دعوا و نزاع است، اما زور و قدرت بدنی هم ندارد! در اشاره به افرادی که کار می رود که عامل ایجاد نزاع و دعوا هستند، اما توانایی جنگیدن و ایستادگی در مقابل حریف را ندارند.

• تهدید به استفاده از خشونت

- خاک تون توره مکیشن xāk tunæ tūræ mækēšn
خاک شما را به توبره می کشند! در موقعیت تهدید به غارت کردن به کار برده می شود.
- بارتون مکن bārtonæ mækæn
تهدید به بیرون کردن فرد یا افرادی از خانه و زندگی شان به کار می رود!
- دوشمین و باو بگم نه تا دوشمین و باو سگت نم dwešmin va bāwa bagem ne tā dwešmin
پدر بزرگ و محترم مرا را فحش نده تا پدر سگت را فحش ندهم! تهدید مقابله به مثل.
va bāwa saget nam

۲-۵. خشونت ابزار سلطه

مقوله خشونت ابزار سلطه، یادآور اعمال خشونت و ستم در صورت داشتن قدرت و پذیرش سلطه یا ستم پذیری در صورت فقدان قدرت نزد افراد است؛ خصلتی که به طور ریشه دار و تاریخی در فرهنگ و جامعه ما به خاطر متأثر بودن از ویژگی های جوامع قبیله ای و عشیره ای وجود دارد و در فرایند تحولات اجتماعی و تاریخی پیشین و معاصر تأثیر منفی قابل توجهی داشته است.

این مقوله، از زیرمقوله‌های بیم از قربانی خشونت شدن، شکوه و شکایت از زورگویی و ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان تشکیل شده است:

• بیم از قربانی خشونت شدن

- کوچکی ا بنه نمایی بنیش ساییر *kwčekē æ bæneræ nemāine benišie sāēr*
اگر توانایی برداشتن یک سنگ را نداری، در سایه‌اش بنشین! اشاره به این دارد که هرگاه توان مقابله با کسی را نداری، با او زورآزمایی نکن.

- هنی تنگت ا مسای دات بوش کاک *hanē tangta a mesāi dāt būš kākæ*
اگر شرایط مبارزه و انتقام‌گیری را نداری، به کسی که به مادرت نظر سوء دارد بگو بابا!
- میروژ که موت بال ایره مار *mārē miruž ke mote bāl ēira*
مورچه زمانی که اجلس فرامی‌رسد، بال پرواز درمی‌آورد! اشاره به افرادی است که موقعیت و جایگاه اجتماعی خودشان را درک نمی‌کنند و قصد رویارویی با افراد قدرتمند و زوردار را دارند.

• شکوه و شکایت از زورگویی

- آر سر مالم بیر بالم *a sar mālem bēyar bālem*
بر سر حق خودم بزن، بالم را هم بشکن! در اشاره به موقعیتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند کسی یا کسانی سعی دارند حقش را بالا بکشند.

- بکشم ا مال وژم خونم به *bekošem e māl wežem xwinem be*
مرا بکش و از دارایی خودم دیه‌ام را بده! در اشاره به موقعیتی است که فرد یا افرادی به صورت آشکار قصد زورگویی و تجاوز به حق و حقوق فردی را دارند و هیچ عرف و هنجار اجتماعی را رعایت نمی‌کنند.

- زوردار بی‌زور *zur dār bi zur*
زوردار بی‌زور شده است! به موقعیتی اشاره دارد که همه عرف‌ها و هنجارها زیر پا گذاشته شده‌اند و دوگانگی زوردار و قدرتمند علیه ضعیف و ناتوان برقرار شده باشد و ظلمی آشکار در حال وقوع است.

• ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان

- خر ا بن خر نمای زور ا پالون مایجه *xar a ban xare nemai zūr e pālina māyjē*
خر، زور خر دیگر را ندارد و به پالان صدمه می‌زند! موقعیتی را بیان می‌کند که فرد یا افرادی توانایی مقابله با رقیب اصلی خود را ندارند و در عوض فرد یا افراد ضعیفی را به عنوان رقیب مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

- دو کافر آر سر مال بسلمونی بوین جن *dwo kāfer a sar māl besalmome bina jan*
دو کافر و بی‌دین بر سر مال و دارایی فرد دیگری دعوا داشتند! اشاره به موقعیتی دارد که دو فرد و یا گروه متجاوز و زورگو قصد بالاکشیدن مال و دارایی فرد دیگری را داشته باشند.

- گال زیونین مهن دم گرکه مورن *gāl zewēn mehan dewem gwra k mewriyan*
گاوها شیطنت می‌کنند و دم گوساله را می‌برند! در اشاره به موقعیتی بیان می‌شود که فرد یا افرادی جرمی را مرتکب شده‌اند و فرد ضعیفی مجازات می‌گردد.

۳-۵. تشویق به زورمندی و خشونت

مقوله تشویق به زورمندی و خشونت، بر نقش بی‌بدیل زور و قدرت در تنظیم روابط اجتماعی قوم لک و اجتماعات نظایر آن دلالت دارد. در این‌گونه جوامع، داشتن زور و قدرت به‌تنهایی مشروعیت لازم برای اعمال آن و رفتارهای خشونت‌آمیز را در بردارد. این مقوله، از دوزیر مقوله نگرش اسطوره‌ای در مورد زور و قدرت و ضرورت انتقام‌گیری و مقابله به‌مثل تشکیل شده است.

• نگرش اسطوره‌ای در مورد زور و قدرت

- زور برا خدا *zūr berā xwedāya*

زور برادر خداوند است! این ضرب‌المثل نقش زور و خشونت در ساختار و بافت اجتماعی را نشان می‌دهد که بر پیوندهای قومی و قبیله‌ای استوار است.

- هر جا زوره قوله باطله *har jā zuræ qolæ bātelæ*

هر جا که زور باشد، قولنامه باطل می‌شود! این ضرب‌المثل به نقش و جایگاه زور و خشونت در مناسبات اجتماعی و تأثیر زور و خشونت بر مالکیت خصوصی، اشاره دارد.

- دس زور سامون نره *dase zuræ samoun neræ*

هرجایی که زور و خشونت وجود دارد، نظم و نسق اجتماعی وجود ندارد و همه امور بر خواست قدرت و زور می‌چرخد! این ضرب‌المثل به این امر اشاره دارد که در متن روابط عشیره‌ای و قبیله‌ای، زور و قدرت برتر و بالاتر از هر پدیده اجتماعی است و از هیچ عرف و آداب و رسوم اجتماعی تبعیت نمی‌کند.

- مال هی یا قرون هورتی برو یا زورداری *māl he yā qewron hewartē borte yā zurdārē*

مال یا دارایی که بر روی آن اختلاف وجود دارد، متعلق به فردی است که یا سوگند بخورد یا زور و قدرت داشته باشد! این ضرب‌المثل برای زور و قدرت، مشروعیتی برابر با سوگند خوردن به متن مقدس قائل است.

• ضرورت انتقام‌گیری و مقابله به‌مثل

- هیواین شو طعنه روژه *heywāin šew tana ruža*

فرار در شب، طعنه روز در پی دارد! اشاره به این دارد که کناره‌گیری از رقابت و رویارویی، باعث طعنه و سرزنش اجتماعی می‌شود.

- جنگ مه ار جنگ جاکه بکینی *jan mæ ar jan jā bekenē*

جنگ باید در محل جنگ و نزاع رخ بدهد! به لزوم انتقام سریع اشاره دارد.

- واحل خونینی شوو بایته مله *melerā va hāl xwini šew bāitēæ*

وای به حال قتلی که یک شب از قصاص اون گذشته باشد! این ضرب‌المثل نیز به ضرورت و فشار اجتماعی انتقام سریع اشاره دارد.

- چو نرم کره مرته *narm kerma mæretē Čū*

چوب نرم پوسیده می‌شود! به ضرورت قوی بودن مرد اشاره دارد. بر اساس این ضرب‌المثل، پرخاشگری و خشونت‌ورزی از شاخص‌های مهم و برجسته هویت مردانه به شمار می‌روند.

- خرا خری بنیرا مه یال دم بورنی xari e xari benirā me yāl dwem borine
خری که از خر دیگر ببازد، باید یال و دم او را ببری! اشاره به این دارد که نباید در برابر دیگران کوتاه بیایی و مقابل به مثل کنی. به ضرورت و فشار اجتماعی رقابت و خشونت‌ورزی متقابل اشاره دارد.

۴-۵. خصومت و ستیزه‌جویی

مقوله خصومت و ستیزه‌جویی از دو زیرمقوله همزادی خصومت و رقابت، همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله‌ای تشکیل شده است و آشکارا بر ارزشمند بودن زورمندی، داشتن قدرت و اعمال خشونت به‌طور پیوسته و مداوم دلالت دارد و خواهان پشتیبانی خانوادگی و جمعی از نزاع‌کنندگان حین بروز جنگ و دشمنی است که می‌تواند زمینه‌ساز چرخه‌ای از خشونت‌های بین‌فردی و دسته‌جمعی باشد.

• همزادی خصومت و رقابت

- نه گیه و پوس ماو و نه دشمن و دوس ماو na gēæ væ pusæ māw na dušman væ dusæ māw

نه از بافت معده چرم ساخته می‌شود و نه دشمن به دوست تبدیل می‌شود! این ضرب‌المثل به حفظ خصومت و ضرورت اجتماعی دشمنی اشاره دارد.

- پته کوبینه پیلوس نماو، کوبینه هومال و دوس نماو pata kwēna pēlus nemāw kwēna hewmāl a dus nemāw

همان‌طور که از پنبه کهنه رشته‌ای به دست نمی‌آید، از دشمنی دیرینه هم دوستی عاید نمی‌شود. این ضرب‌المثل به پایداری دشمنی و رقابت در بافت و ساختار قومی و قبیله‌ای اشاره دارد.

- برا هومال برā berā hwmāl bērā

برادر دشمن برادر است! به این اشاره دارد که در برخی موارد افراد قوم و قبیله، دشمن و رقیب هم می‌شوند.

• همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله‌ای

- تفنگ وخت جنگ برا وخت تنگ tefag vaxte jaŋ berā vaxt tan

تفنگ در زمان جنگ و برادر در زمان تنگ به کار می‌آیند! به لزوم همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله‌ای اشاره دارد.

- برا چو پشت برā berā berā berā čū pešt

برادر چوب پشت برادر است! اشاره به این دارد که برادر و قوم و فامیل در جنگ و دعوا عامل موفقیت و پیروزی هم هستند.

- کافر خدا چو ژار بو kāfer xwedā čū žār bū

خداوند هیچ‌کس را از نظر تعداد افراد جنگجو کم تعداد نکند! بر اهمیت تعداد مردان جنگجو در قوم و قبیله اشاره دارد.

- شیری آنوم دوروا زوینه šēri ē nom dū ruā zewēna

شیر در بین دوروباه زبون و ضعیف است! بر اهمیت همبستگی و انسجام درون گروهی اشاره دارد.

- جنگ برا مکیته و شیون دلسوز *jan̄ berā maketē vae šiwǣn delsūz*

در هنگام جنگ و نزاع، برادر (مرد) به کمک می آید و شخص دلسوز (زن) شیون و زاری می کند! بخشی از هویت مردانه به واسطه توانایی خشونت ورزی و قابلیت جنگیدن تعریف شده است.

با تأمل در ضرب المثل های لکی مروج و مشوق خشونت در تعاملات و روابط اجتماعی در زندگی جمعی، وجه اشتراک ضرب المثل ها (تم اصلی) نمایان می گردد. مفهومی که آشکارا و یا به صورت ضمنی از این ضرب المثل ها استنباط می شود، بر این نکته کلیدی تأکید دارد که پدیده خشونت نقش محوری در زندگی اجتماعی و روزمره مردمان لک زبان ایفا می کند. داشتن روحیه ستیزه جویی و توانایی اعمال کنش خشونت آمیز برای مردان، پاداش اجتماعی اطلاق صفت «مردانه» را در پی دارد و داشتن چنین روحیه و توانایی، سبب کسب اعتبار و منزلت اجتماعی می شود. در اجتماع مردمان لک نشین خشونت به عنوان «عامل ایجاد انسجام درون گروهی و به مثابه راه حل مسائل اجتماعی» درک و تصور می شود. در واقع در فرهنگ عامه لکی که ضرب المثل ها بخشی از این فرهنگ محسوب می گردند، استفاده از کنش خشونت آمیز نه تنها مذموم پنداشته نمی شود، بلکه به خشونت به عنوان عامل ایجاد انسجام گروه در برابر گروه های رقیب یا «همال» نگریسته می شود و همچنین خشونت نه تنها مسئله اجتماعی نیست، بلکه راه حل مسائل اجتماعی به شمار می آید.

۶. بحث و نتیجه گیری

خشونت از جمله مسائل مهم اجتماعی به شمار می رود که ویژه یک جامعه خاص نیست و از دیرباز در همه جوامع مشاهده شده است؛ به طوری که همچنان این مسئله در روابط و مناسبات اجتماعی نمود دارد و در نتیجه پیوندهای میان افراد جامعه را نابسامان می سازد. همان گونه که مشاهده شد، در ضرب المثل های لکی به عنوان بخش برجسته ای از ادبیات شفاهی این قوم، موارد بسیاری وجود دارد که به اشکال متفاوتی از خشونت اشاره نموده است. این گویای آن است که خشونت در بافت و ساختار اجتماعی قوم لک، پدیده ای اجتماعی است و در مناسبات اجتماعی میان اعضای جامعه نقش محوری ایفا می کند.

خشونت در ضرب المثل های لکی در اشکال گوناگونی بازنمایی شده است. خشونت کلامی از صورت های خشونت است که ضرب المثل های مختلفی درباره آن ساخته و پرداخته شده است. عصبانیت، توهین و تحقیر نسبت به دیگران، تبعیض نسبت به زنان و کوچک شماری ایشان، تهدید به به کارگیری خشونت، ضرورت انتقام گیری سریع و مقابله به مثل با دشمنان و ضرورت حفظ رقابت و دشمنی با دیگران، از جمله اشکال خشونت هستند که ضرب المثل های بسیاری بر این گونه رفتارهای خشونت آمیز دلالت دارند.

در ضرب المثل های لکی خشونت با هویت مردان عجین شده و یکی از شاخص های تعیین کننده هویت مردان، قدرت پیکار و جنگجویی مرد است. هویت مردانه بیشتر بر کسانی اطلاق می گردد که ویژگی مبارزه طلبی، ستیزه جویی و حس رقابت در ایشان نمود بیشتری داشته باشد؛ به طوری که به فرد فاقد توانایی مبارزه و ستیزه جویی، صفت مرد اطلاق نخواهد شد و بر پایه رویکرد مردسالارانه و پدرسالارانه تبار لک برچسب منفی «زن» برای او به کار می رود (تو که مرد نیستی، زن هستی)!

بین روحیه ستیزه‌جویی و توانایی اعمال کنش‌های خشونت‌آمیز با اطلاق هویت مردانه، رابطه مستقیمی وجود دارد و به عبارتی هسته مرکزی هویت مردانه، توانایی اعمال کنش خشونت‌آمیز است. بر پایه ضرب‌المثل‌های لکی، هویت مردانه به کسانی اطلاق می‌شود که می‌توانند مبارزه کنند و هویت خود را مقابل دیگری که از او به‌عنوان «هُمال» دشمن یا رقیب یاد می‌شود، تعریف نمایند و به‌طور آشکار ذکر شده که جنگ را برادر و شیون و گریه را دلسوز (که به‌طور ضمنی به زن اشاره دارد) انجام می‌دهند.

بر پایه فرهنگ قوم لک، از زنان به دلیل ساخت بدنی و توان جسمانی کمتر، چشم‌داشتی برای همراهی در مبارزه و ستیزه‌جویی وجود ندارد. بیشتر ضرب‌المثل‌هایی که حامی رفتار خشونت‌آمیز هستند به مردان اشاره دارند. در ساختار و بافت قومی و قبیله‌ای که هر طایفه و قبیله ناگزیر بوده از خود دفاع کند و بر نیروی جنگی و نظامی خود متکی باشد، از مردان انتظار می‌رود قوی، ستیزه‌جو و اهل مبارزه باشند؛ از این‌رو زنان بیشتر در محیط داخلی خانه حضور داشته‌اند و به دلیل نبود امنیت فراگیر و شیوه معیشت سختی که مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است، امکان حضور در فضاهای عمومی را نداشته‌اند. از میان مردان، کسانی بیشتر مورد احترام و از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند که توان جسمانی بیشتر و خوی جنگ‌آوری بالاتری داشته‌اند؛ به‌طوری‌که ویژگی یک مرد ایدئال در این است که همیشه آماده نبرد و نزاع باشد (شمشیر مرد واقعی در غلاف نمی‌رود و همیشه آماده جنگ است). در این ضرب‌المثل‌ها خشونت لازمه زندگی اجتماعی است و عامل برتری و حفظ جایگاه و جایگاه بالاتر اجتماعی به شمار می‌رود.

در جامعه سنتی، عناصر مذهبی از بالاترین اهمیت برخوردارند و برای سنجش اهمیت هر پدیده، نسبت آن پدیده را با آموزه‌های مذهبی مقایسه می‌کنند. در ضرب‌المثل‌های لکی، زور و خشونت‌ورزی حکم و جایگاهی هم‌وزن عناصر مذهبی دارد (زور برادر خدا است) و همان‌گونه که در جامعه مذهبی عناصر مذهبی بالاتر از امور مادی پنداشته می‌شوند، در ضرب‌المثل‌های لکی، زور فیزیکی و خشونت برتر از همه امور اجتماعی تصور شده‌اند. بدین ترتیب فرد یا افرادی که قدرت جسمانی بیشتری دارند، از امکانات مادی و اجتماعی بیشتری بهره‌مندند و از دید اجتماع از منزلت بالاتری برخوردار خواهند شد.

در جوامع مذهبی هرگاه اختلافی پیش می‌آید، سوگند یادکردن یکی از طرف‌های اختلاف امکان حل مشکل را فراهم می‌سازد. در این ضرب‌المثل‌ها داشتن زور و قدرت بدنی جایگاهی هم‌پایه با سوگند یادکردن به متون مذهبی دارد (مال و دارایی مورد اختلاف را شخصی که سوگند یاد می‌کند یا فرد زوردار و قوی می‌تواند تصاحب کند). در ساختار قومی و قبیله‌ای، زور و قدرت جسمانی می‌تواند مالکیت را جابجا کند. قولنامه و متن نوشتاری که اثبات‌کننده مالکیت فرد بر دارایی به‌خصوص زمین است، با وجود زور و قدرت جسمانی امکان دارد نادیده گرفته شود.

در تم اصلی موضوع، خشونت عامل انسجام درون‌گروهی و به‌مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی است. ضرب‌المثل‌ها بازتاب‌دهنده ذهنیت و نگرش مردم و به‌طورکلی ساخت واقعیت اجتماعی هستند. آن‌ها فهم و درک اعضای جامعه از پدیده‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهند. به این ترتیب می‌توان گفت ضرب‌المثل‌های لکی به‌عنوان بخش برجسته‌ای از فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی قوم لک بیانگر نوعی برساخت اجتماعی هستند که در آن‌ها پدیده خشونت از جایگاه و موقعیت محوری برخوردار است. در این

ضرب‌المثل‌ها درباره روحیه ستیزه‌جویی و توانایی اعمال کنش‌های خشونت‌آمیز، نگرش و ذهنیت ناپسندی وجود ندارد و اعمال خشونت نه تنها منع اجتماعی و فرهنگی ندارد، بلکه عامل برخورداری از موقعیت و جایگاه برتر در روابط و مناسبات اجتماعی است.

ضرب‌المثل‌های لکی، بازنمایی ساختار ایلی و عشیره‌ای است که همبستگی مکانیکی بر آن حکم فرماست، فردیت به صورت مستقل در آن هنوز شکل نگرفته و هویت افراد بر اساس رابطه آن‌ها با هستی اجتماعی بزرگ‌تر که همان ایل، طایفه و قبیله است، تعریف می‌شود (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به آزاد و همکاران، ۱۳۹۲). در این گونه از جوامع، تقسیم‌کار ابتدایی و ساده است و نهادهای نوین به صورت توسعه‌یافته وجود ندارند. گروه و اجتماع باید همه نیازهای خویش را برآورده سازد و یکی از مهم‌ترین نیازهای گروه، تأمین امنیت است. در این جوامع، انسجام درونی گروه یا قبیله بر اساس «غیریت‌سازی» در برابر دیگران که از آن به عنوان «همال» یا دشمن یاد می‌شود، شکل می‌گیرد. امنیت ایل یا قبیله به خودکفایی نظامی و برخورداری از نیروی جنگی وابسته است تا بتواند از اعضای گروه و دارایی‌هایشان محافظت کند. در واقع بین عناصر فرهنگی و ساخت و بافت اجتماعی رابطه متقابلی وجود دارد.

پیشنهادها و راهکارها

تا هنگامی که نهادهای نوین در برپایی امنیت اعضای اجتماع کارآمد و مؤثر نباشند، اعضای جوامع سنتی، برای تأمین امنیت خود به نیروهای امنیت‌بخش قومی و قبیله‌ای متکی خواهند بود. این روند به بازتولید خشونت منجر خواهد شد و نگرش به خشونت همچنان مطلوب و مثبت باقی می‌ماند؛ زیرا کاهش کنش‌های خشونت‌آمیز مستلزم کاهش احساس نیاز به کاربرد خشونت در روابط و مناسبات اجتماعی است. با افزایش حضور و کارایی نهادهای مدرن که هویت‌بخش و امنیت‌زا هستند، خشونت کارکرد انسجام‌بخشی درون‌گروهی و کارکردش به مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی را از دست می‌دهد و نگرش مطلوبی که در مورد آن وجود دارد، از بین می‌رود.

به نظر می‌رسد، توسعه‌یافتگی واقعی این گونه جوامع شامل اشکال حقیقی و سازمان‌یافته‌ای از یکجانشینی و شهری‌شدن سازنده، گسترش گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و کوشش برای گونه‌ای دگرگونی فرهنگی در بستر تغییرات مثبت اجتماعی و گسترش آموزش‌های مثبت خشونت‌پرهیز، زدایش تبعیض‌های زبانی و اصلاح سیاست‌های سرکوب‌کننده زبان‌ها و هویت محلی توسط زبان و هویت مرکزی و رواج گفتمان‌های مداراجویانه و کاستن از سطح تنش و خشونت فراگیر در پهنه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در سطح کلان جامعه، بخشی از راه‌حل‌های احتمالی دگرگونی مثبت فرهنگی و اجتماعی این گونه جوامع و از جمله قوم لک خواهد بود.

منابع

- آزادارمکی، تقی؛ ترکرانی، مجتبی و حق‌ندری، ایرج (۱۳۹۲). تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱: ۳۴-۹.
- آزادارمکی، تقی و بهار، مه‌ری (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران (چاپ اول). تهران: جهاد.

- آسیایی، رویا (۱۳۹۱). نفرین به‌مثابه خشونت زبانی؛ مطالعه تطبیقی نفرین‌های رایج در زبان‌های ترکی و لکی. مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، شماره ۱۰: ۲۸۰-۱.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان: ۴۴-۱۵.
- پورافکاری، نصراله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی: ۳۸۶-۳۷۳.
- پورنامداریان، محمدتقی (۱۳۶۸). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (چاپ سوم). تهران: علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی. نجوای فرهنگ، شماره ۳: ۲۴-۱۵.
- رحیمی‌عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹). بومیان دره مهرگان، تحقیقی پیرامون قوم «لک» بومیان دره مهرگان‌کده (سیمره) از عصر حجر تاکنون. کرمانشاه: ماهیدشت.
- سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۶). فصل پانزدهم، امور قضایی. گزارش جرائم واقع‌شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی برحسب موضوع.
- سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۷). فصل پانزدهم، امور قضایی. گزارش جرائم واقع‌شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی برحسب موضوع.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران (چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شهبازی‌مقدم، ناهید و وظیفه‌شناس، سارا (۱۳۹۵). ساختار بنیادی خشونت در زبان و تأثیر آن بر خشونت و تجاوز علیه زنان. غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول: ۴۵-۶۷.
- شیرینی، طهمورث و عظیمی، ندا (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک. مطالعات جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره پانزدهم: ۹۹-۷۹.
- عالی‌پورخرم‌آبادی، کاهین (۱۳۸۴). دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها. خرم‌آباد: افلاک.
- عسگری‌عالم، علی‌مردان (۱۳۸۳). زبان‌دهای لکی (چاپ اول). خرم‌آباد: امیرکبیر.
- غفاری، غلامرضا و دهقان، علیرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۹۸: ۱-۶۷.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر، تهران: آگاه.
- کریمی، جلیل، قلی‌پور، سیاوش و علیمرادی، زینب (۱۳۹۹). بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های لکی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، دوره دوم، شماره ۴: ۸۸-۶۵.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) چاپ دوم. تهران: سمت.
- صفی‌زاده، علی (۱۳۹۲). زبان لکی، زبان فراموش شده از دوره میانه. دومین همایش ملی بررسی سیر تحول بومی لرستان (کله باد).
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: طهوری.
- موحد، مجید؛ عسکری‌چاوودی، محمدجواد و یادعلی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لمر استان فارس. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۱۲۰: ۲-۱۰۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجف‌زاده قبادی، امیدعلی (۱۳۹۱). ادبیات عامه لکی. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- ویلیامز، فرانک پی و مک‌شین، مریلین دی (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی. تهران: میزان.
- Audrey Ruth, Omar (2011). Masculinity and the acceptance of violence: a study of social construction. MA thesis, University of Iowa.

- Bird, S.R., (2008). Masculinity studies, In International Encyclopedia of the Social Sciences, 2nd edition Ed. William A. Darity, Macmillan Reference USA/Thompson Gale.
- Bozkurt, Veysel & Safak Taranoglu & Glenn Dawes (2015). Masculinity and Violence: Sex Roles and Violence Endorsement among University Students. *Social and Behavioral Sciences* 205(2015) 254- 260.
- Holt, C. L., Ellis, J. B. (1998). Assessing the current validity of the BEM sex-role inventory, *Sex Roles*, Vol. 39, N. 11/12. pp. 929-941.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Sarah E. Shannon (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*, Vol.15 No 9: 1277- 1288.
- Hillis, S., Mercy, J., Amobi, A., & Kress, H. (2016). Global prevalence of past year violence against children: A systematic review and minimum estimates. *Pediatrics*, 137(3):e20154079. doi:10.1542/peds.2015-4079: 1-13.
- Lee, Jackie F.K(2015). Chinese Proverbs: How are Women and Men Represented? *GÉNEROS Multidisciplinary Journal of Gender Studies* Vol. 4 No. 1: 559- 585.
- Marsh, Harry L (1990). A Comparative Analysis of Crime Coverage in Newspapers in The united stated and other Countries from 1960-1989: A Review of the literature. *Journal of Criminal Justice* Vol. 19: 67- 79.
- Masykuroh, Qanitah (2016). Physical and Verbal Violence in Indonesian Folktales Retold in Children's Books. *Kajian Linguistik dan Sastra*, Vol. 1 No. 1: 25-34.
- Masserschmidt, James W. (1993). *Masculinities and Crime*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Qaisar Khan (2015). The Linguistic Representation of Gender Identities in Pakhtu Proverbs. *NUML Journal of Critical Inquiry*, Vol 13: 1-15.
- Scott. Edward M (1979). Violence in America: Violence people and Violent Offenders. *International Journal of Offender Therapy and Comparative criminology*, Vol 23:197-209.
- Silva, Aline Natalia (2019). Wealth Inequalities in Different Types of Violence among Brazilian Adolescents: National Survey of School Health 2015. *Journal of Interpersonal Violence*, Volume 36, Issue 21-22: 10705- 10724.
- Wortly, scot (2008). The Review of the Roots of Youth Violence, Volume 5, Literature Reviews. Centre of Criminology, University of Toronto. Queen,s Printer for Ontario.